خبر

هشدار مصباحی مقدم به احمدی‌نژاد

گروه سیاسی: اگر موضع مجلس تا امروز در برابر ابطال برخی قوانین از سوی دولت برای ابلاغ یا عدم تمکین در اجرای برخی دیگر از آنها، تذکر کتبی و شفاهی بوده یا اظهارنظرهایی در رسانه‌ها که طی آن دولت را دعوت به اجرای قانون کردند، اما پس از این تذکرها و توصیه‌ها روز گذشته «غلامرضا مصباحی‌مقدم» برای اولین بار به دولت هشدار داد که اگر نشست سران سه قوه نتیجه‌ای برای اجرای قانون از سوی دولت نداشته باشد، راهکارهایی برای وادار کردن دولت به اجرای قانون وجود دارد. نماینده تهران در مجلس اما به جزییاتی از این راهکارها اشاره نکرد و هشدار داد: بهتر است رئیس‌جمهور قبل از آنکه مجلس تصمیمی برای استفاده از این راهکارها داشته باشد قانون را به نحو دقیق اجرا کند. نماینده تهران در مجلس با بیان اینکه عدم اجرای قانون از سوی دولت موجب رواج بی‌قانونی در کشور خواهد شد، تبعات زیانبار آن میان آحاد مردم را یادآور شده است. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با مهر اظهار امیدواری کرد برگزاری نشست مشترک سران قوا به میزبانی مجلس اختلافات بین قوا را حل کند و رئیس‌جمهور از این پس از اینکه قانون را نپذیرد و اجرا نکند، خودداری کند. مصباحی‌مقدم این نکته را مورد اشاره قرار داده که اگر در نشست مشترک سران سه قوه نتوانند برای اجرای قانون به نتیجه برسند راهکارهایی برای وادار کردن دولت به اجرای قانون وجود دارد. از ابزارهای مجلسیان برای اجرای قانون از سوی دولت می‌توان به تذکر و طرح سوال اشاره کرد. اگرچه از مجلس زمزمه‌هایی مبنی بر سوال از رئیس‌جمهور شنیده می‌شود اما این موضوع هنوز به صراحت مطرح نشده و فقط حول محور پاسخگویی به اظهارات رئیس دفترش، مشایی است. ابلاغ نشدن برخی قوانین مصوب مجلس از سوی دولت و تاخیر در اجرای قوانین مصوب مجلس یعنی قانون دو میلیارد دلاری مترو و تغییر کاهش ساعات ادارات و دستگاه‌های دولتی در ماه مبارک رمضان از مواردی است که مورد نقد مجلسیان قرار گرفته است. استنکاف احمدی‌نژاد از ابلاغ قوانین، منجر به ابلاغ شش قانون از سوی علی لاریجانی شد. پس از قوانین اختصاص دو میلیارد دلار به مترو، شناسایی و حمایت از مصدومان شیمیایی و الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به ویژه دولت اشغالگر امریکا، حضور بانک‌های خارجی در ایران و اصلاح قانون تجمیع انتخابات و دوره پنجم شوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست‌جمهوری و تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری ششمین قانونی است که با مهر انقضا از سوی لاریجانی ابلاغ شد. اگرچه برخی از این قوانین را احمدی‌نژاد مجدداً ابلاغ کرد اما قانون مترو از قوانینی بود که رئیس‌جمهور در مورد آن گفت: «من این را قانون نمی‌دانم.» و این اظهارنظر را علی لاریجانی با تاکید بر لازم‌الاجرا خواندن آن بر دولت واجب دانست. عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز یادآور شد: اگر دولت از اجرای قانون خودداری کند هرج و مرج در تمام جامعه حاکم می‌شود و بی‌قانونی امری عمومی خواهد شد و این به زیان کشور است. مصباحی‌مقدم ابراز امیدواری کرد: اختلافات بین قوا که چندی است موجب تنش در کشور شده است در نشست اخیر سران قوه حل شده باشد و این جلسات صرفاً جلساتی تشریفاتی و بدون نتیجه نباشد.تاکید مصباحی‌مقدم این است که نشست سران سه قوه که روز یکشنبه ۲۴ مرداد بدون اعلام قبلی برگزار شد، در حل مشکلات دولت مثمرثمر باشد، اگر چه از این نشست طولانی سران هنوز خبر کاملی بیرون نیامده و هیچ یک از طرفین، این مذاکره چند ساعته را خوب یا بد ارزیابی نکردند و فقط نفس برگزاری آن را مثبت دانستند. شاید تاثیر نشست سران را بتوان از سرانجام قوانین معطل‌مانده در دولت و مصوبات ارسال نشده به مجلس حدس زد هر چند هفته آینده هم دولت و مجلس در نشست ماه مبارک رمضان گرد هم می‌آیند؛ نشستی که برخی نمایندگان آن را جلسه همفکری، هم‌اندیشی و هماهنگی بین دولت و مجلس می‌دانند و امیدوارند اختلافات و عدم تمکین دولت در برابر قوانین از سایه این نشست‌های مشترک حاصل شود؛ چه آنکه بی‌نتیجه بودن آن به راهی ختم می‌شود که مصباحی‌مقدم به آن اشاره کرده که راهکارهایی برای وادار کردن دولت به اجرای قانون وجود دارد.

استیضاح وزیر بازرگانی منتفی شد

نماینده گرمی از منتفی شدن پیگیری استیضاح مهدی غضنفری وزیر بازرگانی در مجلس خبر داد. به گزارش مهر، ولی اسماعیلی گفت: پس از تهیه طرح استیضاح وزیر بازرگانی استیضاح‌کنندگان جلسه‌ای با وزیر برگزار کردند که در آن جلسه قول‌هایی برای همکاری و رفع مشکل کشاورزان دادند. وی گفت: طبق شرطی که برای وزیر و ادامه پیگیری استیضاح گذاشته بودیم، قرار شد ظرف یک هفته تا ۱۰ روز پول کشاورزان به حساب آنان واریز شده و دیگر مشکلات حل و فصل شود که وزیر در مدت تعیین‌شده به وعده خود عمل کرد و طرح استیضاح متوقف شد.

بررسی بازنشستگی زودتر از موعد اساتید

نایب‌رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از بررسی بخشنامه وزارت علوم به دانشگاه‌ها برای بازنشستگی زودتر از موعد برخی از اساتید در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس خبر داد و اعلام کرد این کمیسیون در این باره از وزیر علوم توضیح می‌خواهد. اسدالله عباسی گفت: وزارت علوم طبق بخشنامه‌ای که به دانشگاه‌ها ابلاغ کرده است، خواستار بازنشستگی پیش از موعد برخی اساتید دانشگاه‌ها شده است. به گزارش مهر وی ادامه داد: وزارت علوم معتقد است برخی اساتید به مقررات و ارزش‌های نظام پایبند نبوده و در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری باعث تشویش اذهان دانشجویان شده‌اند یا برخی اساتید از نظر آموزشی از کارایی لازم برخوردار نیستند و باید نیروهای کاردان‌تری به استخدام درآیند. عباسی گفت: کمیسیون آموزش و تحقیقات از آنجا که در خصوص نحوه اجرای این بخشنامه ابهاماتی دارد از وزیر علوم و معاونان وی خواسته است با حضور در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در این باره توضیح دهد. وی گفت: مورد دیگری که نیاز به بررسی دارد گزینش اساتید در دانشگاه‌هاست زیرا قبلاً واحدهای دانشگاهی امکان گزینش اساتید را داشتند اما هم‌اکنون نحوه گزینش هیات علمی در وزارت علوم متمرکز شده است. وی حضور وزیر علوم و معاونان وی در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات را هفته آینده اعلام کرد

اعلام وصول لایحه تشکیلات نظارت انتظامی

در پایان جلسه علنی صبح دیروز مجلس شورای اسلامی، لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضایی از طرف دولت اعلام وصول شد. به گزارش ایسنا سبحانی‌نیا همچنین از اعلام وصول لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ازبکستان در زمینه کمک متقابل درباره گمرکات دو کشور و پروتکل اصلاحی خبر داد.

گزارش تحلیلی «شرق» از کودتای ۲۸ مرداد

لگدهای پوتین بر دموکراسی

سیدمحمدوحید میرزاده

تشکیل دولت ۲۸ ماهه مصدق و براندازی آن با کودتای ۲۸ مرداد، بی‌تردید از بحث‌برانگیزترین موضوعات سیاسی و تاریخی ایران است. بی‌گمان در مورد تشکیل هیچ دولتی و برافتادن آن، به اندازه دولت مصدق و کودتا کتاب نوشته نشده و تحلیلگران و آگاهان در مورد آن سخن نگفته و مطلب ننوشته‌اند. برای درک بیشتر از جایگاه و ارزیابی کارکرد دولت مصدق و آسیب‌شناسی کودتای ۲۸ مرداد باید به چند پرده قبل‌تر از تحولات سیاسی ایران نظر افکند تا در یک روند تاریخی و سیاسی و در چارچوب طرحی کلان و بنیادی، موضوع تعریف و جمع‌بندی شود زیرا در غیر این صورت بحث‌ها صرفاً به کشمکش‌های گروهی و شخصی آن مقطع خواهد انجامید و بازار اتهام‌زنی و عقده‌گشایی و توجیه‌گری و غلیان احساسات موافق و مخالف گرم و در نتیجه جمع‌بندی‌های تاریخی به فراموشی سپرده شده و هزینه‌های گزاف تاریخی- ملی آن بهدرخواهدرفت.

سه برش تاریخی انقلاب مشروطیت، حاکمیت رضاشاه و اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه و تعاقبات طبیعی هر سرزمین اشغال‌شده، از محکمات ورود به بحث دولت ملی و کودتای ۲۸ مرداد است. با این فرض که ارتباطی منطقی بین این سه فصل نیز وجود دارد.

در انقلاب مشروطیت اهدافی چون تشکیل عدالتخانه و اجرای قانون سرلوحه خواسته‌ها بود. این خواست‌ها در مسیر استفاده از دستاوردهای بشری در زمینه اجتماعی و روند تکامل جوامع انسانی پدیدار شد. دستاوردهای بشری در حوزه اجتماعی همچون «روح القوانین» نوشته «مونتسکیو» در آثار متفکران آن دوره متجلی بود. روشنفکران و کنشگران آن دوره در پی استقرار نظام سیاسی‌ای بودند که در آن از قدرت مطلقه شاه کاسته شود و جایگاه او به عنوان یک مقام تشریفاتی و غیرمسوول در امور جاری تعریف شود. قانون اساسی مشروطیت که با استفاده از قانون اساسی بلژیک و دیگر کشورهای اروپای‌غربی تدوین شد، گویای این موضوع است که خواسته‌ها و سوگیری و روح حاکم بر آن، زیر تاثیر ادبیات و گفتمان سیاسی روز جوامع بشری که در مغرب زمین به واقعیت نشسته بود، قرار دارد. دستاورد مهم انقلاب مشروطه و قانون اساسی آن، تشکیل مجلس شورای ملی بود. آن مجلس در واقع تجلی‌گاه تشکیل حاکمیت مردم برای استقرار نظام سیاسی به حساب می‌آمد و به نمایش درآمدن اراده مردم تا قبل از آن سابقه‌ای اینچنینی نداشت. به ویژه آنکه در ترکیب‌بندی نمایندگان مجلس کوشش شده بود اقشار و گروه‌های اجتماعی بتوانند نمایندگانی برای اعمال اراده ملی در آن داشته باشند تا تعریفی درست از حاکمیت ملی به واقعیت بنشیند.

تشکیل عدالتخانه در واقع اجرای بخشی دیگر از اصل تفکیک قوا بود. قانونگذاری و انجام کارهای قضایی همواره بخشی از قدرت حاکمیت سیاسی بود و این کار به شدت استقلال رکن قضا و دادگستری را در جامعه مخدوش و اجرای عدالت را ناممکن می‌کرد. نبود قانون به عنوان شاخص داوری و نبود استقلال در امر قضا، موضوعی بود که مردم با تمام وجود آن را حس کرده بودند و تاثیرات آن را در کلیه بخش‌های زندگی به روشنی می‌یافتند، به همین دلیل اجرای آن را در سر برنامه خود قرار داده بودند. در آن هنگامه موضوع استقلال قوای سه‌گانه قانونگذاران، دادگستران و دولتمردان در مسیر تطور فکری بشری برای جلوگیری از زورگویی و حق‌کشی حاکمان به یک اصل بدیهی و قطعی تبدیل شده بود. اگرچه قانون اساسی مشروطیت با اقتباس از قانون اساسی بلژیک تدوین یافت اما روح حاکم بر آن مطابق باورهای دینی و مذهبی جامعه قرار داده شد. تعریف شورای پنج‌نفره مجتهدان دینی برای تایید قوانین مصوبه مجلس از نظر نداشتن مخالفت با اصول و معیارهای مذهبی در واقع حلول روح دینی جامعه ایرانی در قانون اساسی بود. البته شورای پنج‌نفره به پیشنهاد روحانیون بلندپایه و انتخاب نمایندگان مجلس برگزیده می‌شد.

در دوران مشروطیت جهت‌گیری عمومی جنبش به سوی تغییر در نظام استبدادی بود و نه برانداختن شخص مستبد و براندازی نظام سیاسی حاکم. به همین دلیل دریافت فرمان مشروطیت که به معنای پیروزی انقلابی‌ها بر جانبداران نظام استبدادی بود، منجر به برکناری یا تغییر رژیم قاجار نشد و اگر نبود خودسری‌ها و خوی استبدادی محمدعلی شاه، شاید هیچ‌گاه منتهی به وقوع کودتا پس از ۱۴ سال و سپس تغییر رژیم در ۱۹ سال بعد از انقلاب مشروطیت نمی‌شد. در واقع روح حاکم بر انقلاب مشروطیت مبتنی بر حرکتی گام به گام و پرهیز از برخورد براندازی و ناگهانی در سپهر سیاسی ایران بود.

رضا شاه در روند قدرتمداری، استبداد کهن جامعه ایران را در شکل و شمایلی نوین عرضه کرد. او توانست در حوزه کارهای اداری و تدوین قوانین و آبادانی و صنعت کشور به اقداماتی با توجه به ظرفیت‌های آن زمان نائل آید. اما این بار هم درِ حکومت بر پاشنه قدیمی استبداد چرخید.

اعمال سیاست بسته حکومتی و تحمل نکردن حق هرگونه انتقاد در حوزه امور حکومتی و به رسمیت نشناختن حق تعیین سرنوشت کشور توسط مردم، بیماری لاعلاجی بود که پیکره نظام سیاسی حاکم رضاشاهی را دچار تلاشی کرد. رضاشاه شکل بدون محتوای نمادهای مشروطیت همچون مجلس شورای ملی، مطبوعات و دادگستری را به نمایش گذاشت اما قدرت بلامنازع و اراده ملوکانه او، امکانی برای بروز و نشو و نما در اختیار مجلس یا مطبوعات قرار نمی‌داد.

جنگ جهانگیر دوم عامل مرگ سیاسی رضاشاه شد و روزگار دیگری برای ایران پیش آمد. یک دهه پس از افتادن دیکتاتور بار دیگر فردی که از تبار قائم‌مقام و میرزا تقی‌خان و انقلاب مشروطیت بود به جایگاه نخست‌وزیری ایران رسید. مصدق به دنبال کنش‌های سیاسی فراوان، زمام امور دولت را در دست گرفت. در این هنگامه با ملی شدن صنعت نفت بزرگ‌ترین منبع حیاتی کشور در طول تاریخ کشور، از اختیار بیگانگان بیرون آمد و در حاکمیت ایران قرار گرفت.

انتخاب مصدق، نتیجه بده‌بستان‌های خارجی یا قرارهای گروه‌های سنتی قدرت در ایران نبود. او در واقع ثمره خودآگاهی مردم و آزادی‌های سیاسی در آن برش زمانی ایران بود. ستون‌های اصلی حامیان آن را روشنفکران و درس‌خواندگان شامل می‌شدند و در پاسخ به صداقت سیاسی او بود که مردم کوچه و بازار به حمایت از او برخاستند. صداقت سیاستمداران اولین دلیل حمایت بی‌دریغ مردم از رهبران سیاسی است و پایداری مردم با میزان صداقت گفتار و کردار رهبران رقم می‌خورد.

داستان نهضت ملی و ملی شدن صنعت نفت و تشکیل دولت و ماجراهای ۲۸ ماهه دولت و در نهایت کودتای بدفرجام مرداد ۳۲ را همگان می‌دانیم. اما آنچه قابل توجه است این است که جایگاه تاریخی دولت مصدق کمتر مورد تاکید قرار گرفته است. عمده انتقادات به کودتا و سرنگونی دولت مصدق این است که یک دولت ملی و طرفدار مردم که در حوزه امور اداری دارای پاکدامنی و دوری از فساد مالی بوده و همچنین بدنه کارشناسی متناسب با نیازهای آن روز ایران را همراه داشته، با یک اقدام مشترک توسط فرصت‌طلبان داخلی با حمایت نیروهای بیگانه سرنگون و دولتی غیردموکراتیک و غیرملی جایگزین آن شده است. غیردموکراتیک یعنی اینکه به آزادی‌های سیاسی همچون فعالیت گروه‌های سیاسی مخالف دولت یا انتقاد مطبوعات مستقل، کمترین اعتقادی نداشت و غیر ملی به این مفهوم که نماد حاکمیت ملی و نتیجه انتخاب آزادانه مردم نبود و استقرارش را در چارچوب نگاه به بیرون ترسیم کرده بود.

سرنگونی دولت مصدق تنها برکناری یک هیات دولت و به قدرت رسیدن جناحی دیگر با هر دستاویزی نبود، بلکه این رخداد به مفهوم از میان رفتن نخستین اقدام عملی برای برپایی سامانه دموکراسی در ایران بود یعنی زیان وارده تنها به یک مقطع زمانی در گذشته محدود نمی‌شد، بلکه این زیان وارده به صورت پیوسته در آینده ایران همواره بروز می‌کند.

ضعف و ناتوانی عرصه سیاسی ایران به دلیل کمبود پدیده دموکراسی، درد کهنه‌ای است که تمام حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را درمی‌نوردد. دوران مصدق در واقع هنگامه‌ای است که امکانات درونی برای شکل‌گیری اولیه دموکراسی در ایران مهیا بود. نزدیک به ۴۰ سال از تجربه انقلاب مشروطیت گذشته بود و جامعه ایرانی دوران استبداد رضاشاهی را از سر گذرانیده بود.

در آن هنگام جامعه ایرانی اشغال سرزمین توسط نیروهای بیگانه را به دلیل سیاست‌های رضاشاه که ظرفیت‌های داخلی و توازن نیروهای بین‌المللی نادیده می‌گرفت و در برج عاج خودکامگی فرو رفته بود با حواس پنج‌گانه احساس کرده بود. آیا اگر امکانی وجود داشت تا سیاست خارجی رضاشاه و مخالفت لجوجانه او با اجماع بین‌المللی و اصرار بر سیاست نادرست حمایت از آلمان نازی توسط آگاهان و کارشناسان و دلسوزان مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت، اشغال ایران توسط نیروهای نظامی بیگانه، سرنوشت محتوم ایران بود؟ تمامی خسارت‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی و انسانی و حیثیت ملی در دوران اشغال و پیامدهای پس از آن، هزینه‌ای بود که از محل خودکامگی و استبداد سیاسی رضاشاه پرداخت می‌شد. استفاده ابزاری از احساسات بخش‌هایی از مردم در حمایت از آلمان نازی به دلیل پیشینه بد دخالت‌های انگلیس در امور ایران نمی‌توانست دلیلی برای جلوگیری از ابراز نظر صاحب‌نظران و باتجربه‌های سیاسی شود.

حال پس از طی کردن این مسیر پرهزینه، حق جامعه ایرانی بود که در دوران نهضت ملی به سمت یک حکومت دموکرات که یکایک شهروندان اختیار و حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند، برود. نقش کودتا قطع کردن رگ‌های حیاتی دموکراسی برای پیکره نیمه‌جان سیاسی ایران بود. اما این بار هم سرنوشت ایران چنین شد.

در راه طی شده جامعه ایرانی مراحل مختلفی با کندی و ایستادن پی در پی اما رو به جلو، طی کرده است. در دوران قائم مقام و عباس میرزا، هدف غایی به دست آوردن ارتش منظم و صنایع اولیه بود. در مرحله بعد یعنی زمان امیرکبیر داشتن دانشگاه و کتاب‌های علمی و دانش‌آموختگان علم جدید و انتشار روزنامه، حد مطلوب به حساب می‌آمد. در دوران مشروطیت داشتن قانون اساسی و مجلس شورای ملی و دادگستری هدف و آرزو بود. در دوران رضاشاه بخش‌هایی از آن اهداف و آرزوها به واقعیت نشست. تاسیس دانشگاه و تدوین قوانین دادگستری و ثبتی و راه‌اندازی صنایع و راهسازی از آن جمله بود. اما تجربه نشان داد به دست آوردن این دستاورد بدون اصلاحات مدنی هم‌تراز، کاری عقیم و بی‌نتیجه است. رضاشاه اعتقادی به ضرورت تحول در عرصه اجتماعی نداشت. اگرچه این کاستی، منحصر به وجه اعتقادات او نبود بلکه انگیزه‌های قدرت‌طلبی و منفعت‌جویی او و طبقه پیرامونش در به کار بستن این خط‌مشی تاثیر بسزایی داشت. کارکرد تاریخی مصدق این بود که آن مفاهیم و دستاوردهای تاریخی را به بالاترین وجه یعنی دموکراسی واقعیت بخشد. اعتقاد و تاکید او بر آزادی‌های سیاسی از همان کارکرد تاریخی او ناشی می‌شد.

دلیل مدعای تاریخی بودن کارکرد مصدق همین بس که در میان ده‌ها نخست‌وزیر و صدراعظمی که ایران در دوران اخیر حاکمیت دیده است، برای هیچ یک از آنها پس از گذشت زمانی افزون بر نیم قرن این حجم گسترده از حمایت و علاقه‌مندی نشان داده نمی‌شود. اکثریت حامیان کنونی مصدق حتی از نظر زمانی مصدق را درک نکرده‌اند و همگی در سال‌های پس از مرگ او قدم به جهان گذاشته‌اند. اما رمز محبوبیت او را تنها در ایران‌دوستی، پاکی مالی و نحوه مدیریت و آزادمنشی او نمی‌توان یافت، بلکه شعار و طرح برنامه اصلی سیاسی او که همانا دموکراسی برای ایران است، منبع اصلی جذابیت و پیدا کردن مخاطبان جدید از نسل‌های بعدی است. هر چند او مردی بود که در سراسر عمر خود نسبت به اصولی که داشت وفادار ماند و تصدی پست‌های حکومتی در دولت یا مجلس و همچنین رنج دوران تبعید و زندان نتوانست او را از اصول خودش برگرداند اما دفاع از آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، اصول اساسی او بود. او هنگام قرار گرفتن در قدرت سیاسی دچار لغزش نشد و اصول و شعارهای خود را به فراموشی نسپرد. بابت حقوق و مزایای نخست‌وزیری‌اش ریالی دریافت نکرد، هزینه‌های سفرهای خارجی خود و وابستگانش را شخصاً پرداخت می‌کرد و هزینه دیگر همراهانی را که تمکن مالی داشتند، از آنان می‌گرفت. مخارج دفتر نخست‌وزیری را که عملاً در منزلش بود، خود متقبل می‌شد. خود و اطرافیانش هیچ گاه از رانت‌های دولتی استفاده نکردند. هرگز از تسهیلات دولتی جهت احداث و تاسیس نهادهای اقتصادی بهره‌مند نشد. برخی از هدایای اعطایی به نمایندگان خارجی را خود تهیه می‌کرد و هدایای دریافتی از روسای ممالک دیگر را به موزه می‌سپرد. اراضی کشاورزی را که در مالکیت خود بود، قبل از اجرای قانون اصلاحات اراضی، داوطلبانه بین کشاورزان تقسیم کرد و با تمام تلاشی که عناصر کودتاگر پس از کودتای ۲۸ مرداد به خرج دادند تا ذره‌ای از فساد مالی او را کشف کنند، هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد.

نکته

– سرنگونی دولت مصدق تنها برکناری یک هیات دولت و به قدرت رسیدن جناحی دیگر با هر دستاویزی نبود، بلکه این رخداد به مفهوم از میان رفتن نخستین اقدام عملی برای برپایی سامانه دموکراسی در ایران بود. یعنی زیان وارده تنها به یک مقطع زمانی در گذشته محدود نمی‌شد بلکه این زیان به صورت پیوسته در آینده ایران همواره بروز کرد.

– صداقت سیاستمداران اولین دلیل حمایت بی‌دریغ مردم از رهبران سیاسی است و پایداری مردم با میزان صداقت گفتار و کردار رهبران رقم می‌خورد.

رامین مهمانپرست:

ادامه تولید سوخت ۲۰ درصد بستگی به نیازمان دارد

گروه سیاسی: روز دوشنبه گذشته رئیس‌جمهوری ایران قانون صیانت از دستاوردهای صلح‌آمیز هسته‌ای کشور را ابلاغ کرد؛ قانونی که در آن بر غنی‌سازی ۲۰ درصد تاکید شده است. با اشاره به این قانون این «ظن» پیش آمد که با وجود آنکه غنی‌سازی ۲۰ درصد طبق ان‌پی‌تی جزء حقوق تهران و در چارچوب فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به شمار می‌آید ولی تهران در روند مذاکرات تحت هیچ شرایطی حاضر نیست دست از غنی‌سازی ۲۰ درصد بردارد. اما دیروز توضیحاتی از وزارت امور خارجه و مجلس با وجود تاکید بر صیانت از دستاوردهای هسته‌ای کشور، این ظن را کمرنگ کرد تا نشان داده شود تهران همان‌گونه که عنوان کرده اهل مذاکره است.

رامین مهمانپرست دیروز باز هم تاکید کرد غنی‌سازی ۲۰ درصد به نیاز ما در داخل کشور بستگی دارد. دیروز نشست خبری وزارت امور خارجه برگزار شد تا رامین مهمانپرست مثل همیشه به سوالات خبرنگاران پاسخ دهد. آقای سخنگو در زمینه قانون صیانت از دستاوردهای هسته‌ای و غنی‌سازی ۲۰ درصد گفت:«مباحث مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای کشور ما کاملاً روشن است، در چارچوب همکاری ان‌پی‌تی و با همکاری آژانس فعالیت‌های ما دنبال می‌شود و کاملاً تحت نظارت منظم آژانس انجام می‌شود.» وی ادامه داد: «تولید سوخت ۳/۵ درصد یا حتی ۲۰ درصد جزء فعالیت‌های صلح‌آمیز شناخته می‌شود، بنابراین دلیلی ندارد خود را متعهد به توقف آن کنیم. این حق ایران است که اگر تشخیص داد به این سوخت نیاز دارد نسبت به تولید آن اقدام کند اما اینکه حتماً بخواهیم تولید سوخت ۲۰ درصد را ادامه دهیم بستگی به نیازمان دارد. اگر نیازمان تامین شده باشد و بخش دیگری نیاز داشته باشیم که بیشتر شامل سوخت ۳/۵ درصد باشد طبیعتاً بیشترین وقت یا انرژی را به تولید آن بخش از انرژی خواهیم گذاشت.» مهمانپرست تاکید کرد:«اتفاق جدیدی نیفتاده است. همه پیگیری‌ها به خاطر صیانت از حقوق مسلم‌مان است و حاضر نیستیم کشوری آن را محدود کند. بعید می‌دانیم دفاع از حقوق خودمان چارچوب مباحث آتی‌مان با اتحادیه اروپا یا کشورهای ۱+۵ را بخواهد تحت‌الشعاع خود قرار دهد. این دیدگاه ما از ابتدا بوده است و تا پایان نیز این دیدگاه را خواهیم داشت.» وی همچنین در مورد اظهارات علاءالدین بروجردی در مورد مشارکت امریکایی‌ها در ساخت نیروگاه هسته‌ای گفت: «وقتی ما برای برنامه‌های آینده کشور، تامین انرژی هسته‌ای مصوب مجلس را در حد ۲۰ هزار مگاوات در سال دنبال می‌کنیم به معنای این است که باید گام‌های بلندتری را برداریم. نیروگاه‌های مورد نیاز ما باید در ظرف زمانی مشخصی ایجاد شود و حتماً رقابت‌هایی وجود خواهد داشت. ما آمادگی داریم هر کشور و هر شرکتی از هر کشور، چه دولتی و خصوصی اگر توانایی داشته باشد و با استاندارد بالا این تاسیسات را ایجاد کند، در شرایط رقابتی بتوانند برنده پروژه‌ها شوند و کارشان را آغاز کنند.» اما مهمانپرست تنها کسی نبود که دیروز چنین موضعی اتخاذ کرد. جهانگیرزاده از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز موضعی شبیه به این اتخاذ کرد. وی با تاکید بر اینکه اقدام رئیس‌جمهور در صدور دستور ممانعت از ارائه پاسخ‌های فراتر از ان‌پی‌تی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تداوم روند غنی‌سازی ۲۰ درصد امری کارشناسی و مبتنی بر ظرفیت‌های بین‌الملل بود، گفت: «قرار نیست به دلیل ممانعت برخی از کشورها و قدرت‌های بزرگ از کارهای خود عقب بیفتیم، اگر عضو ان‌پی‌تی هستیم باید از امتیازات آن نیز بهره‌مند شویم. باید تامین سوخت رآکتور تهران از طرف آژانس تضمین شود و ما نیز به روند غنی‌سازی ۲۰ درصد خود ادامه دهیم و اگر قرار است تغییراتی در این زمینه حاصل شود باید در چارچوب مذاکرات باشد.»

اما موضوع قانون صیانت از دستاوردهای هسته‌ای کشور تنها بخش کنفرانس خبری رامین مهمانپرست نبود.

موضوع دیگری که سخنگوی دستگاه دیپلماسی را وادار به واکنش کرد، درخواست رسمی دولت برزیل برای پناهندگی یک متهم به اعدام به دولت ایران بود؛ تقاضایی که گفته می‌شود بیشتر خوراک داخلی برای داسیلوا دارد. کارشناسان معتقدند به علت نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست‌جمهوری و تحت فشار رقیب انتخاباتی مبنی بر اینکه لولا داسیلوا در رابطه با ایران مسائل حقوق بشری را مد نظر ندارد، وی این خواسته را به دولت ایران برای ساکت کردن اپوزیسیون خود ارائه داده است. اما مهمانپرست در این زمینه گفت: «می‌خواهند با طرح موضوعات مختلف میان ایران، ترکیه و برزیل مشکلاتی ایجاد کنند. از همان زمان فشارها بر روی ترکیه و برزیل آغاز شد، آنها را به اشکال مختلف تهدید کردند و سعی کردند برایشان مشکلاتی ایجاد کنند و آخرین ترفندی که رژیم صهیونیستی و امریکا و برخی کشورهای غربی دنبال می‌کنند این است که موضوعات مختلفی طرح کنند تا میان دولت‌های دوست و صمیمی ایران، ترکیه و برزیل مشکلاتی ایجاد کنند. همه باید هوشیار باشند و بدانند که این یک توطئه است و جبهه‌ای است که کشورهای غربی آن را دنبال می‌کنند.»

وی خاطرنشان کرد: «اینکه فردی در کشور ما به خاطر جرمی که مرتکب شده محاکمه شود امری طبیعی است؛ به ویژه اینکه مرتکب قتل شده باشد. اینکه از یک قاتل کسی حمایت کند و موضوع پناهندگی مطرح شود هر چند یقین داریم مقامات کشور برزیل با رویکرد انسانی و روابط نزدیک و صمیمی که با کشور ما دارند این درخواست را مطرح کرده‌اند اما با اطلاع‌رسانی در مورد جزییات پرونده آنها به این نتیجه خواهند رسید که حرکتی که توسط رسانه‌های غربی و مقامات کشورهای غربی دنبال می‌شود بیشتر توطئه‌ای برای ایجاد مشکل در روابط بسیار نزدیک ما و کشورهای برزیل و ترکیه است.»

مهمانپرست خاطرنشان کرد: «اینکه برخی از کشورهای غربی تلاش می‌کنند با حمایت از کسانی که جرم‌های سنگین انجام داده‌اند یا مرتکب قتل‌های بزرگ شده‌اند جریان سیاسی ایجاد کنند، داستانی است که موجب کاهش اعتبار حقوقی کشورها خواهد شد. اگر قرار باشد در جامعه امروز بشری افرادی که مرتکب قتل و جرم‌های سنگین می‌شوند آزاد شوند تا به ادامه فعالیت‌های مجرمانه خود بپردازند، امنیتی برای بشر نخواهد داشت. اگر این گونه است ما هم درخواست می‌کنیم دولت‌های غربی همه کسانی را که مرتکب قتل شده‌اند و جرائم سنگین داشته‌اند از زندان‌های خود آزاد کنند. چرا انسان‌های مرتکب جرائم سنگین را در زندان‌ها نگه می‌دارند. »

اما یکی از خبرنگاران در مورد تهدید اسرائیل نسبت به حمله به نیروگاه بوشهر پرسید که مهمانپرست این‌گونه جواب داد:«بر اساس مقررات بین‌المللی، نمی‌توان به تاسیساتی که دارای سوخت هسته‌ای باشد صدمه‌ای وارد کرد. این تهدیدات دیگر تکراری شده و خاصیت خود را از دست داده است. بر اساس مقررات بین‌المللی، نمی‌توان به تاسیساتی که دارای سوخت واقعی هسته‌ای هستند صدمه‌ای وارد کرد و به دلیل تبعات فراوان انسانی که دارد این موضوع تاکید شده است. سوخت واقعی نیروگاه بوشهر هفته آینده شروع به تزریق می‌شود و عملاً ظرف مدتی که حدود سه چهار هفته طول می‌کشد، تمامی سوخت لازم وارد قلب نیروگاه بوشهر خواهد شد و از هم‌اکنون که سوخت در مجاورت نیروگاه قرار گرفته هر نوع تعرض به این نیروگاه می‌تواند عکس‌العمل‌های شدیدی داشته باشد.» مهمانپرست گفت: «معتقدیم این‌گونه مطالب در حد حرف و شعار و برای فرار رو به جلو توسط سران رژیم صهیونیستی اظهار می‌شود.»

نکته

برخی از کشورهای غربی تلاش می‌کنند با حمایت از کسانی که جرم‌های سنگین انجام داده‌اند یا مرتکب قتل‌های بزرگ شده‌اند جریان سیاسی ایجاد کنند. اگر قرار باشد در جامعه امروز بشری افرادی که مرتکب قتل و جرم‌های سنگین می‌شوند آزاد شوند تا به ادامه فعالیت‌های مجرمانه خود بپردازند، امنیتی برای بشر نخواهد داشت. اگر این گونه است ما هم درخواست می‌کنیم دولت‌های غربی همه کسانی را که مرتکب قتل شده‌اند و جرائم سنگین داشته‌اند از زندان‌های خود آزاد کنند. چرا انسان‌های مرتکب جرائم سنگین را در زندان‌ها نگه می‌دارند.

حاشیه سیاست

دعای وزیر دادگستری برای طلبه سیرجانی

وزیر دادگستری در خصوص آخرین وضعیت علیرضا جهانشاهی گفت: دعایم کنید، دعایش می‌کنم. مرتضی بختیاری در گفت‌وگو با فارس در پاسخ به سوالی در خصوص آخرین وضعیت جهانشاهی ملقب به طلبه سیرجانی و چگونگی رسیدگی به مطالبات وی که اکنون نزدیک به چهار ماه است در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی سکنی گزیده است، تنها به گفتن این جمله که «دعایم کنید؛ دعایش می‌کنم»، بسنده کرد و از ارائه توضیحات بیشتر خودداری کرد.

شباهت چاوس و احمدی‌نژاد از نگاه سفیر سابق

سفیر پیشین ایران در ونزوئلا شباهت‌های چاوس و احمدی‌نژاد را برشمرد. سبحانی در ادامه نشست بررسی روابط دو کشور در پاسخ به علل وجود اشتراکات فراوان در نوع حکومت و ادبیات «هوگو چاوس» و «محمود احمدی‌نژاد» به مهر گفت: رهبران مردمی شباهت‌های فراوانی با هم دارند، چرا که از متن مردم برمی‌خیزند. همان‌گونه که در شعارهای تبلیغاتی احمدی‌نژاد به مردمی بودن ایشان اشاره شده بود، چاوس نیز دارای چنین ویژگی‌ای در ونزوئلا است. احمدی‌نژاد هیات دولت را در سفرهای استانی تشکیل می‌دهد؛ کاری که چاوس نیز با برگزاری برنامه «الو پرزیدنت» در تلویزیون انجام می‌دهد، به این صورت که هیات دولت با حضور در این برنام